

نقش قانون‌گرایی در پیشگیری از جرائم و تثبیت نظم و امنیت در جامعه

چکیده

قانون‌گرایی در مجامع و نوشته‌های علمی به عنوان مفهومی بکار می‌رود که به اصالت قانون و اصول قضایی و حقوقی در روابط بین مردم و دولت و همچنین روابط مابین خود مردم معتقد می‌باشد. بر طبق این عقیده در عرصه سیاست جهانی رفتار بین‌المللی ملاک عملکرد دول، شرایط اخلاقی و اجتماعی نیست بلکه روابط حقوقی و شرایط تابعه آن معیار است. اکثر قانون‌گرایان بر این عقیده اند که دولت محصول قانون است و در مورد دولت، جامعه و کشور باید تنها صلاحیت حقوقی، قانونی و قضایی را در نظر بگیرد، هر چند با اخلاق و مذهب متغایر و متضاد باشد. از سوی دیگر یکی از معضلات مهم جامعه‌ی امروز، فرار از قانون در هر زمینه‌ی مشکلات زیادی را برای جامعه ایجاد کرده است. همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و وسعت دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های حاصل از عدم امکان تأمین خواست‌ها و احتیاجات زندگی موجب توسعه شدید و دامنه‌دار فساد، عصبان، تبه‌کاری، دزدی و بطور کلی جرم و جنایت شده است. به لحاظ حقوقی و قانونی جرم به هر فعل و یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازاتی تعیین شده باشد تلقی می‌گردد. وجود رابطه معنادار بین التزام به قانون و پیشگیری از جرم و کاهش جرائم و به تبع آن بالا رفتن میزان نظم و امنیت یک جامعه موضوعی است که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قانون‌گرایی، نظم و امنیت، کاهش جرائم، قانون، جرم.

رژوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

قانون مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها است که از سوی مجموعه‌ای از مؤسسات، دستگاه‌ها و افرادی که دارای خلاقیت وضع و تدوین آن هستند نوشته و به اجرا گذاشته می‌شود. از سوی دیگر مسئله‌ای که به محض بروز قانون به وجود می‌آید حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون دارای یک معنای عام و یک معنای خاص است در معنای عام به معنی وجود نظم در کشور و در معنای خاص اجرای قوانین موضوعه و قوانینی که مجلس و مقامات صالح کشور وضع کرده‌اند می‌باشد. مفهوم دیگری که پس از حاکمیت قانون در یک جامعه به واسطه وجود قانون و حاکمیت آن لازم است قانونگرایی می‌باشد. قانونگرایی عبارت است از سطح رعایت هنجارهای رسمی در برآورد انتظارات فردی یا گروهی از طریق حق شناسی، انجام وظیفه، قانع بودن به حقوق خویش و عدم تعرض به مصالح گروهی و اجتماعی، قانون پیوند دهنده لایه‌های مختلف جامعه است از این رو نقش و جایگاه مهمی در جامعه دارد. کارکرد اصلی قانون تنظیم رفتارهای اعضای یک جامعه است که بطور طبیعی دچار تعرض هستند. نقش قانون صحیح و مبتنی بر اصول انسانی، تعیین حد و مرزها، از بین بردن زمینه اختلاف‌ها، رفع تجاوز متجاوزان، داوری میان انسان‌ها، نشان دادن راه تعالی و کمال ایجاد نظم، برقراری عدالت و فراهم کردن زمینه‌ی تکامل انسان است. به دلیل وجود جرائم در جامعه می‌باشد که وجود قانون و التزام به آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گشته و وجود آن به عنوان یک جزء مهم در ساز و کار حقوقی یک جامعه بسیار مهم است. در مورد ارتکاب به جرم و انجام جرائم توسط افراد، مسائل و مؤلفه‌های بسیار زیادی دخیل بوده و ایفای نقش می‌کند. چطور می‌شود که انسان آزادی خود را که با ارزش‌ترین نعمت است بی‌ارزش بیندارد و کدام منطق می‌پذیرد انسان زندگی خود را در لحظه‌ای از احساسات و هوس قرار دهد و با دست خود آن را تباه کند. همه‌ی ما مجرمین بالفعل هستیم. تنها چیزی که موجب تمیز و تشخیص بین مجرم و غیر مجرم می‌شود این مطلب است که مجرم مرتکب جرم شده و سدهای انفرادی و اجتماعی نتوانسته‌اند او را از ارتکاب به جرم باز دارند و او در یک موقعیت خاص مرتکب عمل کیفری شده است. نمی‌توان بطور کامل مسئولیت تعلیم و تربیت را بر عهده آموزش و پرورش و خانواده گذاشت. برخی از آموزش‌ها بر عهده‌ی جامعه و روند اجرای طرح‌ها و قانون‌ها می‌باشد. قانون آموزش و پرورش به عنوان اصلی‌ترین نهادی است که بعد از خانواده وظیفه تعلیم و تربیت را بر عهده دارد یکی از کارکردهای مهم و اصلی خانواده و آموزش و پرورش آماده کردن فرزندان خانواده‌ها برای

پذیرش قانون می‌باشد. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در کاهش بروز جرائم مؤثر است آگاهی از قانون و پذیرش آن به عنوان رکنی از جامعه می‌باشد که عملکرد خوب خانواده‌ها و آموزش و پرورش در رسیدن به این هدف می‌تواند بسیار مؤثر باشد.^۱

بیان مسئله

عوامل مؤثر در بروز جرم:

در بروز جرائم مختلف که توسط افراد با سنین مختلف رخ می‌دهد عواملی دخیل هستند که در این بخش جهت شناختن این مؤلفه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

۱- **تأثیر عوامل زیستی:** تأثیر زیست‌شناختی وراثت و انتقال خصوصیات جسمانی، عقلانی، هوش والدین و اجداد انسان از دیر زمان موضوع مطالعه روانشناسان و علمای اخلاق بوده است و این موضوع تحت عنوان وراثت عقلی و اخلاقی مورد بررسی واقع شده است. در بین دانشمندان علوم زیستی و وراثت لمبرزو^۲ یکی از پیشگامان این نظریه است. این دانشمند طی آزمایشات متعدد و مطالعات طولانی خود راجع به ۳۸۳ جمجمه جنایتکاران ایتالیایی و ۵۹۰۷ بزهکار زنده نتیجه‌گیری کرد که برخی اختلالات بیولوژیکی علت بزه این افراد می‌باشد و بر اساس آزمایشات این فرضیه را ارائه نمود.

۲- **تأثیر عوامل روانی:** رافائل گاروفالو^۳ از معتقدان مربوط به تأثیر عوامل روانی در ارتکاب بزه است. بررسی و شناخت عوامل روانی مربوط به دانش روانشناسی جنائی است. از جمله رسالت این دانش بررسی منش و شخصیت بزهکار و ارزیابی گرایش‌های ضد اجتماعی و مطالعه روان خودآگاه و ناخودآگاه آنان به منظور تعیین مسؤلیت اخلاقی و اجتماعی‌شان است. در مطالعه به بیماری‌ها و اختلالات روانی از قبیل نوروز، سایکوز و روان‌پریشی مبتلا هستند. طبق دیدگاه-های روانکاوای خانواده و والدین کودک نقش بسیار بزرگی در ساختن شخصیت معتدل و استوار انسان دارند. زیرا چنانچه سیر طبیعی رشد کودک تا پنج سالگی تکمیل نگردد و در طی یکی از مراحل توقف حاصل شود این امر سبب بروز اختلال‌ها و عکس‌العمل‌های ضد اجتماعی در رفتار آدمی خواهد شد. بر طبق دیدگاه روانشناسان در تحلیل شخصیت بزهکار تمایلات و

۱ - کارتوزیان و همکاران (۱۳۷۶) فلسفه حقوق، به نشر، چاپ دوم، تهران.

^۲ M.A.Lemberzo

^۳ R.Garofauolo(1978)

انگیزه‌های ناخودآگاه جایگاه مهمی دارند. از نظر این دانشمندان مجازات افرادی که به دلایل اختلالات روانی مرتکب بزه می‌شوند نه تنها مثر ثمر نیست بلکه آنان را به‌سوی جرایمی تازه سوق می‌دهد.

نقش عوامل اجتماعی در جرم:

برخی از دانشمندان عوامل محیطی و اجتماعی را منشا پدیده‌ی جرم تلقی می‌کنند. به نظر این دانشمندان جرم پدیده‌ای نیست که عوامل و شرایط جسمانی و روحانی افراد در آن تاثیر داشته باشد بلکه عاملی که سبب بروز جنایت می‌گردد جامعه و محیط است. پروفیسر لاکاسانی^۱ رئیس مکتب محیط اجتماعی، عامل محیطی و فرهنگی را تنها موجب جرم معرفی کرده است. به نظر این دانشمند همان طور که هر میکروب در شرایط و محیط خاصی اجازه رشد و نمو و تکثیر می‌یابد، پدیده‌ی جرم نیز به مثابه میکروب در محیط و فرهنگ مربوط به خود زاییده می‌شود پس از نظر وی منشا پدیده‌ی جرم تنها عوامل زیستی و روانی نمی‌تواند باشد و علاوه بر موارد ذکر شده مسائل اقتصادی و وضعیت ناهنجار آن می‌تواند در بروز جرم مؤثر باشد. مکتب سوسیالیست او جامعه اشتراکی را به عنوان جامعه ایده آل معرفی می‌کرد که طبق نظر آنان جرم زاییده نظام سرمایه داری است.

برخی از علل ارتکاب جرم و موارد مؤثر بر کاهش جرم:

پس از بررسی عوامل مؤثر در بروز جرم علل ارتکاب جرم در ادامه‌ی راه جهت شناخت ابعاد جرم لازم و ضروری به نظر می‌رسید که جهت جلوگیری از اطاله کلام به بیان برخی از آنها پرداخته خواهد شد و در ادامه مواردی که بر کاهش جرم تاثیرگذار هستند نیز بررسی خواهند شد. برخی از علل ارتکاب جرم در جامعه شامل موارد زیر خواهد بود:

- ۱- توجه به ارزش‌های مادی و بی‌توجهی نسبت به امور معنوی و اخلاقی. ۲- بی‌اعتقادی و بی‌ایمانی برخی از مردم نسبت به اصول اخلاقی و ایمانی. ۳- عدم آگاهی خانواده‌ها. ۴- عدم آگاهی جامعه از قانون و راهکارهای قانونی که در مورد مسائل مختلف موجود است. ۵- عدم قانون‌گرایی مردم و به نوعی قانون‌گریزی آنان. ۶- عدم هماهنگی قوانین و نظام آموزشی با

^۱ Lacasani(1843-1924)

نیازها و اولویت‌های جامعه. ۷- محیط پرورشی نامناسب و آموزش‌های نادرست. ۸- ضعف کنترل اجتماعی جامعه. ۹- وضعیت نابسامان اقتصادی و اجتماعی و برهم خوردن تعادل اجتماعی و اقتصادی. ۱۰- مشکلات و مسائل روانی اشخاص. ۱۱- توسعه طلبی و جاه‌طلبی صاحبان قدرت. ۱۲- وجود تبعیض بین مردم. ۱۳- کمبود موسسات آموزشی، رفاهی، تفریحی و ورزشی. ۱۴- مهاجرت و شهرگرایی روستائیان در اثر بیکاری و... در مورد کاهش جرائم نیز به جز موضوع مورد مطالعه که قانون‌گرایی می‌باشد که در جای خود به صورت مفصل به آن پرداخته خواهد شد موارد دیگری دخیل هستند که به آن بطور مختصر پرداخته خواهد شد.

سطح آموزش و تاثیر آن در کاهش جرائم:

همان‌طور که می‌دانیم فقر علمی و آموزشی موجب ایجاد انحراف‌ها هستند. به گونه‌ای که هر چه سطح آموزش افراد در جامعه بالا رود، از میزان ارتکاب به جرم کاسته خواهد شد. از بعد دیگری می‌توان بیان نمود که هر چه سطح آموزش فردی که مستعد به انجام جرم است بالاتر می‌رود، میزان ارتکاب به جرم بیشتر می‌شود. به عنوان مثال در دنیای کنونی هرکس از جمله افرادی هستند که با داشتن هوش و سطح آموزشی بالا مرتکب به جرائم اینترنتی می‌شوند. بنابراین بطور حتم نمی‌توان بیان داشت که افزایش سطح علمی و آموزش‌ها می‌تواند به کاهش میزان جرم منجر شود. بنابراین می‌توان عامل رشد سطح آموزشی علمی را همراه با رشد سطح آموزش فرهنگی هم پوشانی کرد به گونه‌ای که با افزایش آموزش‌های فرهنگی از طریق بالا بردن اخلاق فردی در کنار آموزش‌های علمی می‌توان از میزان ارتکاب افراد به جرم کاست. همچنین به لحاظ اقتصادی می‌توان اذعان داشت که افزایش سطح آموزشی، سطح درآمد فرد را بالا می‌برد.^۱

پلیس و تاثیر آن بر کاهش جرائم:

پلیس به عنوان نهاد واسط امنیت، نمایان‌ترین وظیفه‌اش سازماندهی امور انتظامی جامعه به منظور برقراری نظم و امنیت عمومی برای کاهش جرم می‌باشد. بخش عمده‌ای از جلوه و نمود عملکرد پلیس در کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی تبلور می‌یابد و در واقع، کلانتری و پاسگاه

^۱ - حلوی، حسین (۱۳۸۸)، بررسی عوامل موثر بر بروز جرم و جنایت و راه‌های پیشگیری از آن، انتشارات رشد دانش، تهران.

ها خط مقدم و پیشانی جامعه و اجتماع در کاهش جرم می باشد. زیرا از یک سو پاسخگویی به بسیاری از نیازمندی های پلیسی جامعه در حیطه وظایف و اختیارات آنها می باشد و از سوی دیگر وظیفه مهم ضابطین قوه قضائیه عمدتاً از طریق این مراکز صورت می پذیرد. همچنین عملی نمودن برنامه تقدم پیشگیری بر برخورد، در این حوزه قابل اجرا است. یکی از شاخه های پلیس اجتماعی استفاده از توانمندی جامعه در مواجهه با معضلات، مسائل، ناهنجاری و جرایم است و امروزه آموزش همگانی و مشارکت شهروندان از عناصر اصلی کار پلیس است. با برگزاری جلسات توسط پلیس با خانواده ها، جوانان، اصناف و ارتباط و تعامل گسترده با دانشگاه ها، مدارس و دیگر نهادها و سازمان ها برای مهار جرم و افزایش احساس امنیت می تواند نقش مناسب داشته باشد، پلیس با تعاملات متقابل و مفیدی که با ساختار فرهنگی خانواده ها می تواند داشته باشد با بیان و تشریح پیامدهای انحراف اجتماعی در نقاط جرم سعی در گسترش روابط مناسب با زندگی افراد با یک روند اجتماعی مثبت و رویکرد مطلوب در رفتار اجتماعی افراد داشته است. همچنین تولید و انتشار محصولات فرهنگی چون کتاب، فصلنامه، لوح فشرده، برنامه های تصویری، انیمیشن و تبلیغات فرهنگی و اجتماعی در مکان های عمومی و خصوصی بر هدایت و پیشگیری از آسیب های اجتماعی کمک فراوانی خواهد کرد.^۱

ایجاد مراکز مشاوره و تاثیر آن بر کاهش جرائم:

ایجاد مراکز مشاوره با هدف ایجاد رابطه نزدیک، صمیمی و اعتماد آمیز بین پلیس با مردم، شناسایی ریشه ها و زمینه های رفتاری نا بهنجار و بزهکاری، تلاش در جهت از بین بردن بسترهای بروز معضلات اجتماعی و پیشگیری از آنها، آگاه سازی جامعه به منظور افزایش توانایی های مقابله ای و ایجاد فرهنگ مشاوره در بحران های زندگی نقش مثبت دارد. که با راه اندازی دواير در کلانتری ها و مدارس و نهادها و... اقدام دیگری است که با هدف تامین نقش حمایتی پلیس در جامعه، کاهش حجم موضوعات مربوط به جرم و اجرایی به مراکز قضایی، ایجاد در زمان لازم و مناسب بسیار برای مراکز انتظامی در رسیدگی به امور اساسی و پیشگیری از وقوع جرم در جامعه خواهد بود.

^۱ - مهریار، امیر هوشنگ جزایری، مجتبی (۱۳۷۷)، اعتیاد: پیشگیری و درمان، نشر روان پویا، چاپ اول، تبریز

در این بخش به مددکاران، افرادی که مورد خاصی دارند ارجاع داده شوند و کمک نموده تا ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای نسبت به رفع مشکل آنان اقدام و در صورت وضعیت امکان، مابین طرفین دعوی مصالحه ایجاد نمایند.^۱

نقش دین در پیشگیری و کاهش جرائم:

یکی از عواملی که در پیشگیری و کاهش جرم اجتماعی، تاثیر بسزایی دارد، دین داری و ایمان به خداوند است. هنگامی که آدمی دور از چشم آشنایان، همسایگان، و دیگران است، نه قانون و نه افکار عمومی و نه هیچ چیز اجتماعی دیگر کارهای وی را کنترل نمی‌کنند بلکه در این حالت، کنترل کار در پرتو ایمان به قدرتی صورت وضعیت می‌گیرد که در همه مکان‌ها و زمان-ها شاهد آدمیان است و به رفتار پسندیده و نیک پاداش می‌دهد. دین با ایجاد یک سامانه کنترل درونی قوی در انسان‌ها آنها را از انجام دادن کارهای خلاف و نا مشروع باز می‌دارد و سبب می‌شود که آدمیان خود را از لحاظ درونی کنترل کنند. بطور کلی می‌توان گفت که در پرتو دین داری به گونه‌ای انسان پرورش می‌یابد که وی نه تنها در حضور دیگران، بلکه در خلوت نیز از جرم و گناه می‌پرهیزد.^۲

پیشگیری از جرائم و رابطه‌ی آن با قانون‌گرایی:^۳

مقابله با پدیده‌ی جرم و آسیب‌های اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد چرا که هیچ جامعه‌ای با وجود جرم و آسیب‌های عمومی نمی‌تواند زندگی امن و متعادلی داشته باشد. جامعه‌ی امن آن است که در آن آسیب‌های اجتماعی کاهش یافته باشد. آسیب اجتماعی اعم از جرم است و شامل مواردی چون اعتیاد، دزدی، تکدی‌گری، فساد اخلاقی و... می‌شود. پس زمانی که از آسیب اجتماعی صحبت می‌شود مسائل مربوط به جرم را نیز در بر می‌گیرد با این تفاوت که فرد آسیب دیده ممکن است با انواع تنگناها و زیان‌ها رو به رو شود، اما مرتکب جرم نشود. در جامعه مدنی و سالم باید از وقوع آسیب‌ها جلوگیری کرد. جلوگیری دو مرحله دارد:

^۱ - منبع پیشین، ۴ فصل چهارم، صفحه ۳۰۴

^۲ - اسلامی، محمد، (۱۳۸۹)، امنیت در سایه دینداری، نشر برگزیدگان، تهران

^۳ - Legal Positivism

مرحله اول آن است که قبل از وقوع جرم و آسیب از آن پیشگیری شود و در مرحله دوم به افراد آسیب دیده و بزهکار کمک شود که خطرات و زیان‌های آنان افزوده نگردد و همان طور که پیداست پیشگیری بسیار کم هزینه تر، راحت تر و کم خطرتر از مرحله دوم است و این دلیل پیدا کردن جایگاه ویژه پیشگیری می باشد.

قانون گرایی یکی از مهمترین مبانی پیشگیری:

قانون گرایی یکی از مهم ترین مبانی پیشگیری از وقوع و گسترش آسیب های اجتماعی می باشد. جامعه ی قانون، ضد جامعه ای است که در آن ضعیف و قوی هر دو از کیفر قانون می هراسند. اگر در جامعه ای عده ای از افراد با وجود ارتکاب جرم مجازات نشوند اما کثیری از مردم ضعیف جامعه با کیفرهای حاکمیت مواجه شوند، بی تردید چنین قوانینی مشکلات بنیادی جامعه را حل نخواهد کرد. قانون گرایی به معنای حرمت نهادن عموم جامعه اعم از دولت و مردم، ضعیف و قوی و توانمند و فقیر به قانون است. بدون قانون هیچ جامعه ای نمی تواند از زیر بار آسیب ها و خطرات اجتماعی رهایی یابد. عدالت یکی دیگر از مبانی پیشگیری از آسیب های اجتماعی است. وجدان پاک انسانی نمی تواند نسبت به وقوع جرم، تبهکاری بی بند و باری و تزلزل ارکان جامعه بی تفاوت باشد و جامعه نا سالم را تحمل کند. این ملکه اخلاقی حکم می کند که باید از وقوع انواع آسیب های اجتماعی پیشگیری کرد چرا که با گسترش بزهکاری و هرج و مرج، جامعه دچار آلودگی می شود. دادگری از یک طرف به امنیت، آرامش و رفاه جامعه کمک می کند و از طرف دیگر راه های پیشگیری از تحقق جرم و آسیب های عمومی را فراهم می سازد و سرانجام افراد آسیب دیده را به دادگاه پاک و غیر تبعیض آمیز می کشاند. وانگهی به آنانی که با وجود رسیدن به مرز بزهکاری از ارتکاب جرم اجتناب کرده اند با بهره گیری از انواع سیاست ها و شیوه های معنوی یاری می رساند. حق جویی نیز از مبانی پیشگیری از وقوع بزه و آسیب فردی و اجتماعی است. آنکه عاشق و فدایی حق است نمی تواند نسبت به آسیب های اجتماعی بی توجه باشد. حقوق شهروندی دو وجه داد، از یک طرف همه ی افراد کشور از حقوق بنیادی برخوردارند و باید برای بهره‌مندی آنان از حقوق خویش یاری رساند و از طرف دیگر باید با اتخاذ سیاست ها و روش ها و برنامه‌ریزی های مختلف از وقوع آسیب های اجتماعی جلوگیری کرد. جامعه ای که در آنان انواع ناهنجاری‌ها از قبیل اعتیاد، نا امنی، دزدی، اختلاس، رشوه، فقر و... رواج دارد نمی تواند زندگی سرشار از رفاه و آسایشی داشته باشد. پیشگیری از آسیب های

اجتماعی به کاهش هزینه‌های عمومی می‌انجامد. چنانچه کشوری به لحاظ برخورداری از رفاه و امنیت و آزادی بیان و... معضلی نداشته باشد از آسیب‌های عمومی آن نیز کاسته می‌شود. پس اهتمام دولت، نهادهای مردم‌نهاد و افراد خصوصی به کاهش آسیب‌های اجتماعی به رفاه و رشد و توسعه آن جامعه منجر خواهد شد. سیاست رفع آسیب‌های اجتماعی سیاست برد - برد است به این معنا که هم افراد آسیب‌دیده از این سیاست بهره‌مند می‌شوند و از بار خویش بر جامعه می‌کاهند و هم جامعه با خیال راحت به فکر توسعه و رشد خود می‌افتد.^۱

قانون‌گرایی مهمترین اثر پیشگیری:

پیشگیری وقوع بزه و آسیب‌های اجتماعی دارای اثرهای مفید بسیار زیادی می‌باشد. هزینه‌های پیشگیری با کاهش جرم و ناامنی و معضلات دیگر جبران می‌شود. یکی از مهم‌ترین اثرات و فواید پیشگیری قانون‌گرایی می‌باشد. قانون‌گرایی از مهم‌ترین آثار پیشگیری از جرم و فساد اجتماعی است. بدون پیشگیری از وقوع جرم چگونه می‌توان به قانون‌مندی جامعه دل بست مگر ممکن است که جامعه‌ای به پیشگیری از بروز جرم و خلاف اهمیت قائل نشود و جامعه‌ای قانون‌گرا داشته باشد. اگر دولتی می‌خواهد که مردم به قانون و حقوق شهروندی حرمت‌گذارند چاره‌ای جز برنامه‌ریزی کلان و جامع در زمینه پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی ندارد. به تجربه ثابت شده است که قوانین سخت‌گیرانه، حبس و محرومیت‌های اجتماعی شدید به کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر نمی‌شود. این در حالی است که دولت، نهادهای مردم‌نهاد و انسان‌های خیر خواه می‌توانند با صرف هزینه‌های حداقلی، قانون‌گرا شدن جامعه را تضمین نمایند. کاهش هزینه‌های اجتماعی از ثمرات دیگر پیشگیری از بروز جرائم و بی‌بند و باری‌های فردی و اجتماعی است. جامعه حق دارد در فضای اعتماد و معنویت زندگی کند اما این امر با وجود انواع بی‌بند و باری‌ها و مفاسد تحقق نمی‌یابد. دولت و مردم باید به این اصل اساسی توجه داشته باشند که ارتقاع اعتقاد عمومی به مثابه زندگی دنیوی است. اما برخی از دولت‌ها به جای حل بنیادی معضلات اجتماعی و افزایش نیروی انسانی، در بخش‌های امنیتی و قضائی و نظامی بها می‌دهند. و به این ترتیب مردم و دولت نسبت به یکدیگر بی‌اعتقاد می‌شوند. افزایش امنیت و آسایش عمومی دو عنصر تکمیل‌کننده یکدیگراند اگر جامعه‌ای امنیت نداشته

^۱ - صیفی، محمد رضا، (۱۳۸۹)، پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، نشر میزان، تهران.

باشد تحقق آسایش نیز ممکن نخواهد بود. اما باید دانست که امنیت صرفاً با سخت گیری حاکمیت بر مرد و صرف هزینه های فراوان تامین نمی شود. پیشگیری از جرم و ناهنجاری های اجتماعی به تامین امنیت و آسایش مردم کمک می کند.

راه های پیشگیری از جرائم:

در مورد چگونگی پیشگیری از جرائم راه های متعدد و گوناگونی وجود دارد که به صورت فهرست وار جهت جلوگیری از اطاله ی کلام به آن پرداخته خواهد شد:

راه های مدنی: که شامل زیرشاخه های زیر می باشد: الف) افزایش نظم و امنیت عمومی ب) ارتقاء حقوق شهروندی ج) جلوگیری از گسترش بی اعتمادی.

راه های آموزشی: شامل عنوان های ذیل می باشد: الف) همگانی کردن آموزش ب) رشد میزان تحقیقات و فناوری.

راه های سیاسی: الف) آزادی احزاب ب) کاهش حذف مخالف ج) سیاست های رفع تنش داخلی و بین المللی د) استقلال کشور.

راه های رفاهی - اجتماعی: الف) توجه به اقشار آسیب پذیر ب) تولید کار ج) کاهش فقر عمومی.

راه های فرهنگی: الف) کاهش تجملات ب) بیدار سازی ج) پشتیبانی از تولیدات فرهنگی و هنری.

راه های دینی: الف) نواندیشی دینی ب) جهان بینی توحیدی.

راه های اقتصادی: الف) تولید فناوری، اشتغال و تجارت ب) صرفه جویی.

راه های قضایی: الف) جرم زدایی ب) رسیدگی سریع به شکایت مردم ج) گسترش دادگاه های تخصصی.

راه های اطلاع رسانی: الف) گسترش اطلاع رسانی آزاد ب) گسترش دورکاری ج) ایجاد محدودیت برای شبکه های مخرب.

راه های رسانه ای: الف) گسترش رسانه های دولتی و خصوصی ب) فراهم کردن زمینه های طرح آزادانه مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی ج) رقابتی کردن فعالیت های رادیویی و تلویزیونی.

قانون‌گرایی، قانون‌گریزی

قانون از جمله پیچیده‌ترین مقوله‌هایی است که بشر در طول زیست خود بر روی کره خاکی با آن مواجه بوده است. در واقع با عنوان قانون است که نظم معنا پیدا کرده و انسان با دیگر هم‌نوعان خویش ارتباط و تعامل برقرار می‌کند. قانون به عنوان نمونه‌ای از قراردادهای اجتماعی، حوزه‌های مختلفی را در زندگی از قبیل اقتصاد، سیاست، حقوق، خانواده و کسب و کار و... در بر می‌گیرد. یکی از عوامل پیشرفت جوامع توسعه یافته وجود قوانین مدون شفاف و صریح می‌باشد. اگر قوانین گنگ و نارسا و در هم پیچیده باشند و هر کدام دیگری را نقض کنند در هیچ یک از حوزه‌های اجتماع نمی‌توان امیدوار بود که چنین قوانینی گره از مشکلات فردی باز کنند و ترقی و پیشرفت را به همراه آورند. اینکه انسان‌های بی‌شماری در یک مسیر تعریف شده گام برداشته و امور روزمره خود را انجام می‌دهند، خود متأثر از وجود قانون در زمینه‌های مختلف در جامعه می‌باشد. قانون‌گرایی به معنای ضابطه مند و قاعده مند بودن رفتارهای انسانی در قالب هنجارهای تدوین شده و مورد پذیرش اکثریت افراد جامعه و باعث تداوم و قوام جامعه است. قانون‌گرایی پیامدها، آثار و تبعات بسیار زیادی برای جامعه دارد و تحقق بسیاری از اهداف اجتماعی متضمن رعایت قوانین و مقررات است. به عنوان نمونه تحقق آزادی، اقتدار حاکمیت، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، هویت ملی، توسعه اجتماعی و سیاسی و بسیاری دیگر از اهداف اجتماعی را می‌توان نمونه‌هایی از این مدعا دانست. نهادمند شدن روابط در جامعه و یا به نوعی تحقق حاکمیت و قانون در جامعه از شاخصه‌های جوامع توسعه یافته و از اهداف عمده توسعه سیاسی است. از این رو هنگامی که از حاکمیت قانون در جامعه به معنای کلی آن سخن به میان می‌آید، منظور حاکمیت ضوابط و اصولی است که از سطح خرد و فردی تا سطح کلان که دولت و حکومت باشد جریان دارد. به بیان دیگر شکل‌گیری و نهادینه شدن ساز و کارهایی برای حل منازعات و تنظیم روابط در درون ساخت جامعه می‌باشد. حاکمیت قانون را می‌توان این چنین تعریف کرد که (وجود زمینه‌های ذهنی و عینی برای تطبیق قانون و برتری قانون نسبت به تمام مراجع دیگر در جامعه می‌باشد).^۱ مهمترین کارکرد قانون، تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از سویی و شهروندان با هم از سوی دیگر است. با پیچیده تر شدن دو نوع تعامل یاد شده، نقش قانون و همچنین مفهوم حاکمیت قانون،

^۱ - کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۶)، حقوق مدنی، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.

برجسته تر و قابل ملاحظه تر شده است. ضمن آنکه در تمام جوامع، قضات از طریق قانون تامین کننده امنیت و آزادی هستند. قانون، تعیین معیارها و ضوابط ثابتی است که برای همگان ایجاد حق و تکلیف می‌کند و افراد جامعه بر اساس آن روابط خود را تنظیم می‌کنند و به این ترتیب هر فردی از حقوق خویش آگاه می‌شود. دستگاه‌های اجرایی کشور بر اساس قانون، حد و مرزها را تعیین و با ابزار و وسایل تسهیل کننده و یا بازدارنده، افراد و جامعه را به اجرای قانون دلالت می‌کنند. درست است که افراد و اجتماعات و نهادها، بالقوه مطیع قوانین حاکم اند اما نباید فراموش کنیم که تخطی از قوانین همواره از سوی بسیاری از افراد جامعه انجام می‌شود. قانون‌گریزی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی جامعه است که منجر به کج روی یا انحراف از قوانین می‌شود. در همه جوامع قانون‌گریزی به عنوان یک مسئله‌ی خاص اجتماعی وجود دارد. مقایسه رفتارهای اجتماعی ملت‌های مختلف حکایت از آن دارد که این پدیده در میان برخی از ملل، شدید و در برخی دیگر ضعیف است. در بعضی جوامع پاره‌ای از قوانین آنچنان در عادات و رفتار مردم نهادینه شده‌اند که زیر پا گذاشتن یا گریز از آنها حیرت آور و وقاحت تلقی می‌شود در حالی که برای برخی از جوامع رعایت دقیق همان دسته از قوانین عبث و کسالت آور است. جامعه ما تجربه‌ای صد ساله در امر قانون‌گذاری دارد ولی در طول همین زمان قانون‌گریزی را نیز تجربه کرده است. در تفکر بسیاری از افراد جامعه‌ی ما قانون برای شکستن و نظم برای از بین بردن، تدوین و ایجاد شده است. تسلیم و شکسته شدن قانون در مقابل تصمیم و عملکرد قانون‌شکنان فاجعه‌ای تلخ و غیر قابل تحمل است که عواقب جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. از سویی دیگر قانون‌گریزی را باید شکلی از رفتار نظام تلقی کرد در این صورت تحلیل چنین رفتاری را می‌توان تحلیل درونی رفتار سیستم نامید. در این شیوه تبیین رفتار نظام‌های اجتماعی مستلزم بررسی فرایندهای درونی نظام است که اجزای تشکیل دهنده یا واحد‌های آن را در سطح پایین تر از سطح نظام در بر می‌گیرد. پیش فرض این شیوه‌ی تحلیل آن است که با شروع از سطح فردی امکان مداخله‌های اجتماعی و بهبود اوضاع بیشتر می‌شود. بر اساس تحلیل فوق قانون‌گریزی را می‌توان به سه دسته قانون‌گریزی ابزاری، اعتراضی و اخلاقی ترسیم کرد. در قانون‌گریزی ابزاری کنشگر در موقعیت کنش به محاسبه سود و زیان ناشی از عدم اطاعت می‌پردازد و به این نکته آگاه می‌شود که کنش غیرقانونی در مجموع سود بیشتری برای او در بر دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است. عوامل ساختاری و اجتماعی متعددی شرایط شکل‌گیری این نوع کنش را فراهم می‌سازد.

از عواملی که شرایط شکل‌گیری این کنش را فراهم می‌سازند عبارت‌اند از :
۱- نا کار آمدی نهاد های تشخیصی. ۲- ناکار آمدی نهاد های قضایی و تنبیهی. ۳- نابسامانی (آنومی).

در قانون‌گریزی اعتراضی چه بسا تعهد هنجاری به قانون مبتنی بر اخلاق شخصی می‌باشد و لیکن مبنای اطلاعات شخصی از قانون ارزیابی وی از قانون به عنوان امر درست و منصفانه است. تفاوت هنجاری از طریق مشروعیت به اطاعت از قانون منجر می‌شود. در این حالت شخص احساس می‌کند که صاحبان اقتدار یا کسانی که قانون را وضع یا حفظ می‌کنند حق مشروع اعمال زور و رفتار قانونی را دارند. در قانون‌گریزی اعتراضی عدم مشروعیت قانون و نهادها و مجریان آن مبنای جهت‌گیری قانون‌گريزانه را شکل می‌دهد. در این حالت هنجارها و الزام‌های موجود از بین می‌رود. عدم مشروعیت قانون گزار یکی دیگر از مسائلی است که در قانون‌گریزی اعتراضی باید به آن پرداخته شود. رشد آگاهی‌های مردم، پیدایش زنان فعال و تحصیل کرده، پیدایش نسل جدیدی که در فضاهای رایانه‌ای و رسانه‌ای با گزینه‌های دیگری از زندگی سیاسی آشنا شده است و در مجموع گروه‌هایی از جامعه که خواستار مشارکت در عرصه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی هستند زمینه‌ای را فراهم ساخته است تا مشروعیت قانون و قانون‌گزاران به چالش کشیده شود. در قانون‌گریزی اخلاقی از آنجایی که قوانین با ارزش‌های اخلاقی و درونی فرد با هم همخوانی دارند فرد خود را ملزم به انجام و گردن نهادن به قانون می‌داند. اما شخص ممکن است دست به اعمالی بزند که علی‌رغم پیوستگی اش با ارزش‌های درونی وی با ارزش‌های جمعی همخوانی نداشته باشد. یک حالت از این وضعیت زمانی است که شخص عامدانه کنش اعتراضی خود را سامان می‌دهد که در مباحث قبلی به آن پرداخته شد. اما در حالت دیگر شخص عامدانه نسبت به قوانین جمعی حاکم یا هنجارهای اجتماعی موضع نمی‌گیرد. او صرفاً بر اساس آن چه که خود درست می‌پندارد عمل می‌کند. در چنین وضعیتی از نظر عامل، انجام و یا جهت‌گیری عمل او قانون‌گريزانه نیست بلکه عمل فقط از نظر ناظر عمل قانون‌گریزی محسوب می‌شود.^۱ به طور کلی برای جلوگیری از قانون‌گریزی باید به دنبال راهکاری مناسب و در خور این پدیده باشیم. به نظر می‌رسد با کمک نظارت و بازرسی‌های پی‌در پی بتوان به مقابله با قانون‌گریزی پرداخت. امر نظارت و بازرسی در سازمان‌ها یکی

^۱ - نادری، میثم، (۱۳۸۹)، علل قانون‌گریزی در ایران، انتشارات امیران، تهران.

از وظایف اصلی مدیریت محسوب می‌شود که تاریخ آن بسیار طولانی بوده و نشان از اهمیت آن در حفظ دوام و بقاء سازمان‌های بشری در ادوار مختلف تاریخی دارد. نظارت فعالیتی است که (بایدها) را با (هست‌ها)، (مطلوب‌ها) را با (موجودها) و (پیش‌بینی‌ها) را با (عملکردها) مقایسه می‌کند و نتیجه‌ی این مقایسه تصویر روشنی از تشابه یا تمایز بین این دو گروه از عوامل خواهد بود که در اختیار مدیران سازمان قرار می‌گیرد. تعاریف متعدد و گوناگونی از نظارت و کنترل ارائه شده است که در همه آنها یک نقطه‌ی اشتراک وجود دارد و آن اینکه نظارت عبارت است از مقایسه بین آن چه که هست و آنچه که باید باشد.^۱

قانون‌گرایی و رابطه‌ی آن با کاهش جرائم:

توجه به قانون سابقه‌ای دیرینه دارد. مهمترین هدف قانون‌گذاری به وجود آوردن نظم و امنیت و تعیین حد و مرز اختیارات و وظایف افراد در روابط اجتماعی است. این امر موجب بقای قانون، عدالت و عدم گرایش انسان‌ها به بی‌نظمی، هنجار شکنی و قانون شکنی می‌گردد. قانون ستیزی به عنوان یک معضل اجتماعی، سلامت جامعه را تهدید می‌کند بر خاسته از ناسازگاری‌هایی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم است. این ناسازگاری‌ها که معلول عوامل خرد و کلان است سبب می‌شود تا همبستگی و انسجام اجتماعی تضعیف شود و وحدت سازمان جامعه به خطر افتد و در نهایت بی‌هنجاری بر جامعه حاکم گردد. پذیرش قانون و مقررات در جامعه از سوی عموم مردم موجب ایجاد نظم در سطوح و عناصر مختلف اجتماع می‌شود. جوامعی که موفق به درک مراحل توسعه شده‌اند معمولاً از افراد منضبط و مقید به قانون برخوردار بوده‌اند. نظر به اینکه قانون‌پذیری با نظام‌های شخصیتی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه مرتبط می‌باشد می‌تواند کارکرد‌های متعددی داشته باشد.

کارکردهای قوانین

قانون‌پذیری دارای کارکردهای سیاسی، شخصیتی، اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی است. از نظر سیاسی درجه‌های قانون‌پذیری افراد هر جامعه نقش و وظایف دولت‌ها را تغییر می‌دهد. به عنوان مثال در صورت بالا بودن میزان عدم قانون‌پذیری دولت‌ها مجبور به سرکوبی افراد و

^۱ - فتحعلی، علیرضا، (۱۳۸۹)، نظارت و بازرسی علاج قانون‌گریزی، انتشارات امیران، تهران.

اعمال زور و اجبار می‌شوند. از نظر شخصیتی افراد قانون‌گرا افرادی متعادل، منسجم و با ثبات هستند. از نظر کارکرد های اجتماعی بقای هر جامعه و استقرار نهادهای اجتماعی آن در درجه اول وابسته به جایگاه قوانین آن دارد. بالا بودن میزان قانون‌گرایی افراد با انسجام جامعه و دوام نهادها رابطه مستقیم دارد. از نظر اقتصادی نیز می‌توان گفت که میزان قانون‌پذیری افراد جامعه به روند توسعه کمک می‌کند. مثلاً یک جامعه قانونمند که قوانین آن در فرد فرد آن درونی شده است پرداخت به موقع مالیات و عوارض، حق بیمه و... می‌تواند بر توسعه یک جامعه تاثیر داشته باشد و نهایتاً اینکه از نظر کارکرد جمعیتی نیز قانون‌پذیری یک راه رسیدن به جمعیت متعادل و متناسب است.

شاخص‌های قانون‌گرایی:

به منظور پی‌بردن میزان قانون‌گرایی و قانون‌پذیری افراد جامعه و درجه‌سازگاری آنها با قوانین و مقررات موجود شاخص‌های مختلفی وجود دارد. با توجه به گسترش دامنه قانون‌پذیری این شاخص‌ها به شرح زیر در ابعاد گوناگون فرهنگی، شخصیتی و روانی، اجتماعی و حقوق قابل مطالعه می‌باشد.

الف) نگرش مثبت به جامعه: یکی از اهداف اجتماعی شدن ایجاد آرزو و امید و یا به عبارتی دیگر ایجاد نگرش در فرد است. از آنجا که ابتدای هر عمل و رفتار از ذهن شروع می‌شود برای اجرای قانون و پایبندی عملی باید جامعه، نگرش مثبتی به آن داشته باشد. نگرش نسبت به قانون، افکار و شخصیت افراد را متاثر ساخته و نمود عینی خود را در رفتارهای آنها پیدا می‌کند.

ب) کاهش ارتکاب جرائم: یکی دیگر از شاخص‌های عمده قانون‌گرایی و قانون‌پذیری در هر جامعه‌ای میزان ارتکاب به جرائم می‌باشد. قانون‌پذیری یک دفاع اجتماعی را در مقابل جرائم و بزهکاری به وجود می‌آورد.

ج) افزایش مشارکت اجتماعی: می‌توان گفت بین قانون‌پذیری و میزان مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. افرادی که درجه قانون‌گرایی آنها بیشتر است، معمولاً در بسیاری از امور اجتماعی عام‌المنفعه مشارکت پیدا می‌کنند. باید توجه داشت که ارزش‌های فرهنگی پیش‌نیاز اساسی برای وصول به مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود.

د) بالا بودن انسجام اجتماعی و تثبیت نظام حقوقی: در هر جامعه ایی که افراد آن احترام به قانون و رعایت آن را برای خود یک فریضه به حساب می آورند می توان درجه بالایی از انسجام اجتماعی را در آن جامعه مشاهده نمود. روح همکاری با ساخت نیرومند جامعه و رقابت و فرد گرایی با ساخت ضعیف جامعه همراه است. از سویی دیگر نظام حقوقی عبارت است از مجموعه مقررات آئین نامه ها، قواعد و ضوابطی است که اجرای آنها موجب بقاء و استقرار نظام اجتماعی می شود. هر چه درجه قانون گرایی افراد بیشتر باشد حاکمیت نظام حقوقی و تثبیت کارکردهای آن تسهیل می شود.

فرآیند قانونگرایی و انواع آن:

روند قانونگرایی طی فرایند اجتماعی شدن آدمی از کودکی به دست می آید. اجتماعی شدن فرآیندی است که کودکان به کمک آن ارزش ها، باورها و معیارهای رفتاری را که فرهنگشان از آنها انتظار دارد می آموزند. به عارت دیگر منظور از اجتماعی شدن یا جامعه پذیری^۱ آن است که یک انسان از بدو تولدش چگونه با جامعه و فرهنگ آن انطباق می یابد. از طریق اجتماعی شدن افراد شیوه های زندگی جامعه شان را فرا می گیرند، شخصیتی کسب می کنند و آمادگی عمل به عنوان یک عضو جامعه را پیدا می کنند. افراد یاد می گیرند خودشان را با سیستم جدید انطباق داده و رفتاری مطابق با انتظارات جامعه انجام دهند.^۲ قانونگرایی به معنای پذیرش آگاهانه و آزادی اکثریت مردم از قوانین و مقررات در جامعه و عمل به آنهاست. قانونگرایی با ویژگی های شخصیتی فرهنگ عمومی جامعه، ساختارهای عمومی و سازمان افکار و شخصیت افراد مرتبط است. نوع شناسی قانونگرایی از این نظر که افراد نسبت به قانون و پذیرش آن چگونه عمل می نمایند مهم ارزیابی می گردد. دو شکل اصلی آن عبارت است از:

- ۱- قانون پذیری اجباری: که اغلب در حکومت های استبدادی مشاهده می شود یعنی بدون کنترل اجتماعی به قوانین عمل نمی شود.
- ۲- قانون پذیری آزادی: که در جوامع آزاد و قانونمند و به دلیل درونی شدن در فرآیند جامعه پذیری یا رضایت قلبی صورت می گیرد.

^۱ - Socialization

^۲ -Boudon . Bourricaud (1989) .Law and aplicution . 357

در مورد موانع قانون‌گرایی و در واقع قانون‌گریزی افراد در ایران قبلاً توضیحاتی ذکر گردید که به طور کلی در دو بعد موانع عام و موانع خاص قابلیت بررسی دارند. در مورد موارد عام، محیط بین‌المللی، ویژگی‌های تاریخی، ویژگی‌های محیط طبیعی و ویژگی‌های جمعیتی دخیل هستند و در موقع موانع خاص ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ویژگی‌های شخصیتی افراد در سطح جامعه وضعیت و ویژگی‌های نهاد‌های مستقل مدنی، نوع روابط تعاملات فی‌ما بین عناصر سه سطح فوق، الگوی کنش اجتماعی ویژگی‌های خود قوانین و میزان تناسب و هماهنگی آنها با شرایط جامعه قابل احصاء می‌باشد.

با توجه به مسائل ذکر شده فوق به بررسی ارتباط بین قانون‌گرایی و مؤلفه‌های موثر بر آن موارد زیر را می‌توان بیان داشت:

۱- بین قانون‌گرایی و ویژگی‌های شخصیتی مثل میزان سواد افراد رابطه‌ای معنا دار وجود دارد به طوری که با افزایش میزان سواد و تحصیلات افراد گرایش به قانون‌گرایی و قانون‌پذیری بیشتر می‌شود. از این رو می‌توان انتظار داشت هر چه بر اطلاعات، دانش و تحصیلات افراد در جامعه افزوده شود قوانین و مقررات از اقبال و پذیرش عمومی بیشتری برخوردار می‌گردند.

۲- بین قانون‌گرایی و ساخت اجتماعی با مشخصه مشکلات اقتصادی جامعه رابطه معکوس وجود دارد بطوری که هر چه افراد از مسائل و مشکلات اقتصادی برخوردار باشند گرایش آنها به شکستن هنجارها و قوانین افزایش می‌یابد و یکی از دلایل این موضوع تمکن مالی در پرداخت جریمه‌های هنجار شکنی‌ها می‌باشد که خود جای بحث و تامل دارد.

۳- شرایط آنومیک یا بی‌هنجاری اجتماعی بر میزان قانون‌گرایی اثر منفی می‌گذارد. مطالعات متعددی^۱ که در این زمینه صورت پذیرفته نشان می‌دهد که بین دو متغیر عدم وجود هنجار و قواعد حقوقی و قانون‌گرایی رابطه معکوس وجود دارد یعنی هر اندازه شرایط محیطی و اجتماعی جامعه از هنجارها و قواعد حقوقی روشن و واضح برخوردار باشد میزان و گرایش قانون و مقررات نزد افراد افزایش می‌یابد.

۴- بین دو متغیر جامعه‌پذیری و قانون‌گرایی رابطه‌ای معنا دار وجود دارد. به صورت تجربی این فرضیه در قالب روابط بین دو متغیر میزان آموزش و آگاهی و قانون‌گرایی دیده می‌شود.

^۱ - نظرسنجی از مردم تهران درباره چگونگی رعایت قانون (۱۳۸۴) مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

بر اساس این دو فرضیه اگر نهادهای مسئول بتوانند نقش و تاثیرات مثبت خودشان را در ارائه آموزش‌ها و آگاهی‌های لازم و کافی به افراد ایفا کنند و چگونگی زیستن در اجتماع را به درستی بیاموزند و از طرف دیگر آموزش‌های رسمی و غیر رسمی به افراد داده شود می‌توان انتظار داشت قانونگرایی و قانون‌پذیری در جامعه نهادینه شود و میزان گرایش و پذیرش قانون و مقررات نزد افراد افزایش یابد.

۵- یکی دیگر از مسائلی که بر قانون‌گرایی در سطح جامعه و در اثر آن کاهش جرائم اثر مستقیم دارد کارآمدی نظام قوانین است. اگر در قوانین و نحوه‌ی تدوین چگونگی اجرای آن ضعفی وجود داشته باشد قطعاً این ضعف در میزان قانونگرایی مردم جامعه اثر خود را نشان خواهد داد. بر این مبنا اگر دستگاه‌های قانون‌گرا و نهادهای مسئول قوانین کارآمدی را وضع نکنند و از سوی دیگر خلاء قانونی، ضعف‌ها و ابهاماتی در محتوای قوانین دیده شود این دسته از قوانین با اقبال عمومی در سطح پایین مواجه می‌شوند.

۶- نظام حقوقی مبتنی بر اعتقادات، باورها، گرایش‌ها، تمایلات و نگرش‌ها از دیگر مسائلی است که بر قانون‌گرایی اثر داشته است. این فرضیه در سطح خرد بین دو متغیر تحصیلی و اجباری بودن قوانین و قانون‌گرایی آزمایش شده است بر این مبنا لازم است قانون‌گذاران با درک صحیح از شرایط زمانه، تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور و جهان و با در نظر گرفتن گرایش‌ها، تمایلات، باور‌ها و نگرش‌های مردمی قوانین پویا و با قابلیت اجرایی بالا را وضع کنند. در چنین صورتی است که می‌توان انتظار داشت میل بر گرایش مردم به قانون‌گرایی و قانون‌پذیری نزد مردم افزایش یابد.

حقوقدانان و جامعه‌شناسان متعددی^۱ بر این نظراند که قوانین موضوعه یک کشور باید قوانین زنده باشند. منظور از زنده بودن انطباق قوانین با روحیات، نگرش‌ها و باورهای عمومی و درک صحیح از شرایط و مقتضیات کنونی جامعه انسانی است. لذا می‌توان نتیجه گرفت در شرایطی که این انطباق وجود نداشته باشد قانون و مقررات بر مردم تحمیل شده و مردم در مرحله جبر گرایشی قرار می‌گیرند و فرار از قانون افزایش می‌یابد.^۲

^۱ - اریلیک، جی، کرایب، یان، (۱۳۷۸) نظریه اجتماعی مدرن، ترجمه عباس فجر، انتشارات آگاه، تهران

^۲ - محسنی، علی، (۱۳۸۹) حقوق دادرسی، انتشارات میزان، تهران

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طور که در بخش‌های قبلی به تعدد ذکر گردید قانون به مجموعه‌ای از دستور العمل‌ها، روش‌ها و چگونگی انجام اموری تلقی می‌شود که از سوی مجموعه‌ای از افراد، موسسات و یا مجموعه‌ای که دارای صلاحیت این امر می‌باشند تدوین می‌شود. وجود قانون در یک جامعه باعث ایجاد نظم خواهد شد این نظم به دلیل این می‌باشد که قانون برای همه‌ی افراد از خود قانون‌گذار تا پایین‌ترین سطح از افراد جامعه لازم‌الاجرا می‌باشد و همه ملزم به رعایت آن می‌باشند. در واقع همه‌گیری قانون است که سبب بروز این نظم می‌شود. با توجه به عوامل موثر بر قانون‌گرایی و اثر آن بر جامعه مشخص گردید که قانون‌گرایی و التزام جامعه و افراد آن به قانون اثراتی خواهد داشت که مستقیماً در جامعه مشهود می‌باشد. یکی از مهمترین اثرات قانون‌گرایی کاهش جرائم است. این نتیجه را می‌توان از راه‌های مختلف احصا نمود. متأسفانه در سال‌های اخیر با پدیده‌ی ازدیاد تشکیل پرونده در محاکم قضایی و افزایش تراکم جمعیت در زندان‌ها مواجه شده‌ایم که علت اصلی آن درست اجرا نشدن قانون در جامعه از یک سو و عدم التزام مردم به اجرای قانون می‌باشد. از سوی دیگر در بسیاری از محاکم قضایی این مساله به تجربه ثابت شده است که قانون‌گرایی مهمترین راه پیشگیری از جرم و در نتیجه‌ی آن کاهش جرائم است.^۱ از سوی دیگر چون قانون‌گرایی به اصالت قانون و اصول قضایی و حقوقی در روابط بین مردم و دولت و فی‌ما بین خود مردم معتقد است ارتباطی تنگاتنگ بین عمل به قانون و مردم جامعه وجود دارد به گونه‌ای که هر چه میزان التزام مردم به رعایت قانون بیشتر باشد نشان‌دهنده‌ی اصالت قانون و حاکمیت آن در جامعه خواهد بود. مقصود از قانون‌گرایی حفظ و اجرای قوانین به طور عادلانه و رعایت حقوق همه افراد و شهروندان جامعه است بنابراین جامعه‌ای قانون‌مدار و قانون‌گرا محسوب می‌شود که قوانین در آن کاملاً رعایت شود و همه‌آحاد جامعه در برابر قانون مساوی بوده و رهبران آن قانون‌پذیرترین افراد در جامعه می‌باشند. پس تساوی افراد در جامعه در قبال عمل به قانون و تساوی مجازات‌ها مساله‌ای است که در قانون‌گرایی در افراد شاخص بوده و هر چه این شاخص قوی‌تر باشد قطعاً ارتکاب جرایم کمتر خواهد بود.

^۱ - برگرفته شده از وبلاگ دادگستری استان کرمانشاه به آدرس: hemayab.blogfa.com

پیشنهادهای کاربردی:

جهت افزایش قانون‌گرایی افراد در جامعه و به سبب آن کاهش بروز جرائم پیشنهادهایی ارائه می‌گردد که به سبب عملی نمودن این پیشنهادها انتظار می‌رود افراد به انجام و عملی نمودن قانون متمایل‌تر گردند:

- ۱- افزایش شاخص‌های توسعه اقتصادی در جامعه از جمله نرخ اشتغال، میزان در آمد، کاهش بیکاری و ...
- ۲- ارتقاء شاخص‌های توسعه فرهنگی از جمله رعایت قانون، رعایت حقوق دیگر افراد در جامعه اولویت بخشیدن منابع و مصالح اجتماعی بر منافع فردی، ایجاد فرهنگ نظم‌پذیری جمعی و...
- ۳- توسعه نظام قضایی و توسعه و بهبود در نظام حقوقی جامعه
- ۴- وضع قوانین کارآمد، مفید، به روز، صریح، قابل اجرا و اثر بخش در جامعه
- ۵- قوانین باید آنقدر صریح، روشن و واضح و به دور از ابهام باشند که هیچ فردی نتواند آن را تفسیر به رای و به نفع خود بنماید.
- ۶- مجازات به موقع متخلفین از قانون و سنگین‌تر نمودن مجازات‌ها از یک سو و تجدید نظر در میزان جریمه‌های نقدی به دلیل اینکه میزان جریمه نقدی تخلف‌ها با توجه به تورم افزایش پیدا نکرده و بعضاً بابت جرمی بزرگ جریمه‌ای بسیار اندک در نظر گرفته شده که این روند باعث افزایش جرائم به سبب کم بودن جریمه‌های آن می‌باشد.
- ۷- در وضع قوانین باید به باورها، گرایش‌ها، نگرش‌ها و تمایلات و ارزش‌های مردم با توجه به سطح فرهنگ و نوع آموزه‌های آنها توجه شود.
- ۸- بهبود در نظام آموزشی و همگام کردن آن با ایجاد فرهنگ قانون‌پذیری در جامعه از طریق گنجاندن دروس قانون و قانون‌پذیری در کتب درسی و همچنین ارائه آموزش‌های لازم به دانش‌آموزان به منظور نهادینه شدن احترام به قانون از همان دوران کودکی به گونه‌ای که برای آنها به عنوان یک فرهنگ اصلی نهادینه شود.
- ۹- ساخت فیلم‌ها و سریال‌های مفید و سازنده که در آن بر لزوم حفظ و احترام به قوانین بر همگان توصیه می‌شود.
- ۱۰- شناسایی شرایط نامساعد و تلاش در جهت بهسازی و توسعه شرایط محیطی به منظور ایجاد انگیزه‌ها و افزایش فرهنگ قانون‌گرایی.

۱۱- فعال سازی نهاد خانواده از طریق اجرای قوانین و مقررات و دغدغه به موقع و درست انجام دادن آن از سوی والدین، ارائه آموزش های لازم از سوی والدین به فرزندان در مورد تاکید بر پایبندی و احترام به قوانین و مقررات و ...

۱۲- با توجه به نقش بسیار موثر رسانه های دیداری، شنیداری و نوشتاری پیشنهاد می گردد برنامه هایی سازنده در صدا و سیما و انتشار آئین نامه ها و تبلیغات تشویقی جهت التزام به قانون در کتب، مجلات و روزنامه ها در راستای تقویت روحیه قانون گرایی در سطح جامعه ساخته شود.

۱۳- برای حمایت و اجرای قانون باید علاوه بر ضمانت اجرایی منفی، از تشویق و ارائه جوایز برای کسانی که حکم آن را اجرا می کنند استفاده کرد.

۱۴- اجرای قوانین و لزوم پایبندی به آن بایستی یک اصل همگانی شناخته شود و از تبعیض در اجرای قانون و تاکید بر رعایت دقیق از سوی بخشی از مردم شدیداً پرهیز شود.

۱۵- استفاده بهینه از سرمایه های اجتماعی جامعه از طریق جلب اعتماد مردم به قوانین و قانون گذار و حذف نگرش های منفی در این خصوص.

فهرست منابع

- اسلامی، محمد (۱۳۸۹)، امنیت در سایه ی دین داری، نشر برگزیدگان، تهران.
- ارلیک، جی، کرایب، یان (۱۳۷۸)، نظریه‌ی اجتماعی مدرن؛ ترجمه عباس فجر، انتشارات آگاه، تهران.
- حلوی، حسین (۱۳۸۸)، بررسی عوامل موثر بر بروز جرم و جنایت و راه های پیشگیری از آن، انتشارات رشد دانش، تهران.
- دورکیم، اصیل (۱۳۶۰)، فلسفه و جامعه شناسی، ترجمه فرحناز خمسه ای، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- صیفی، محمدرضا (۱۳۸۹)، پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، نشر میزان، تهران.
- فتحعلی، علیرضا (۱۳۸۹)، نظارت و بازرسی علاج قانون گریزی، انتشارات امیران، تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶)، فلسفه حقوق، به نشر، تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۶)، حقوق مدنی، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.
- محسنی، علی (۱۳۸۹)، حقوق دادرسی، انتشارات میزان، تهران.
- مهریار، امیر هوشنگ، جزایری، مجتبی (۱۳۷۷)، اعتیاد و پیشگیری و درمان، نشر روان پویا چاپ اول، تبریز.
- نادری، میثم (۱۳۸۹)، علل قانون گریزی در ایران، انتشارات امیران، تهران.
- نظر سنجی از مردم تهران درباره ی چگونگی رعایت قانون (۱۳۷۴)، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- Boudon . Bourricaud (1989), Law and application, 357.